



شماره ۱۱۹، تابستان ۱۳۹۷

پژوهش‌های آبخیزداری

(پژوهش و سازندگی)

تحلیل عاملی موانع مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی طرح ترسیب کربن در منطقه‌ی لپویی، زرقان، استان فارس

علی ضامن راحمی‌اردکانی

دانشجوی دکترای بیابان‌زدایی، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس

یحیی اسماعیل‌پور

استادیار گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس

یاسر محمدی*

(نویسنده‌ی مسئول)* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه بوعلی‌سینا

حمید غلامی

استادیار گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش: مرداد ۱۳۹۷

* Corresponding Email: y.mohammadi@basu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت و تلخیص موانع مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی در منطقه‌ی لپویی استان فارس انجام شده است. این تحقیق به‌لحاظ هدف از نوع تحقیقات، کاربردی، از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع مطالعات پیمایشی، از نظر مهار متغیرها، از نوع مطالعات میدانی و از نظر روش تحقیق، از نوع مطالعات اکتشافی بود. جامعه‌ی آماری مطالعه ۶۰۰ خانوار فعال عضو تعاونی عمران و توسعه‌ی پایدار لپویی فارس بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۲۳۴ نفر برآورد شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌ای بود که روایی آن به‌وسیله‌ی گروه متخصصان و پایایی آن با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha > .7$) تأیید شد. واکاوی داده‌ها با کاربرد نرم‌افزار SPSS ۱۸ و AMOS انجام شد. در بخش توصیفی برای تحلیل نتایج از شاخص‌های مرکزیت (میانگین و نما) و شاخص‌های پراکندگی (دامنه‌ی تغییرات، واریانس و انحراف معیار) و در بخش استنباطی از تحلیل عاملی اکتشافی، برای عامل‌بندی موانع استفاده شد. نتایج نشان دادند که مهم‌ترین موانع مشارکت جوامع محلی در طرح ترسیب کربن را می‌توان در شش عامل کلی نبود اعتماد و باور متقابل، ناآگاهی و نبود وسایل ارتباط‌جمعی، موانع اداری و نهادی، موانع اجرایی، نبود حمایت و پشتیبانی دولت و نبود نیازسنجی و جلب رضایت مردم طبقه‌بندی کرد، که در مجموع ۸۳/۳۶٪ از واریانس کل را تبیین کردند. در نتیجه‌گیری کلی نیز اعتبار این موانع از راه تحلیل عاملی تأیید شد.

واژه‌های کلیدی: ترسیب کربن، جوامع محلی، طرح‌های احیای زیستی، بیابان‌زدایی، موانع مشارکت

Factor Analysis of obstacles to the Local Communities Participation in the Biological Restoration and Desertification Plans of Carbon Sequestration Project in the Lapui County, Fars Province

Alizamen Rahemi Ardakani

Ph.D. student, Desertification, Faculty of Agricultural Engineering and Natural Resource, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

Yahya Esmacilpour

Assistant Prof. of Natural Resources Engineering Department, Faculty of Agricultural Engineering and Natural Resource, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

Yaser Mohammadi*

(Corresponding Author)* Assistant Prof. of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Hamid Gholami

Assistant Prof. of Natural Resources Engineering Department, Faculty of Agricultural Engineering and Natural Resource, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

Abstract

The aim of this study was to discover the obstacles of local community's participation in biological restoration and desertification control plans in the Lapui County, Fars Province. The study is an applied research in terms of purpose, a survey study in terms of collecting data, a field study in terms of controlling variables, and an exploration study in terms of research method. The statistical population of the study consisted of 600 active households of Sustainable Development Cooperative in the Lapui County. Using the Morgan's and Krejcy's tables, the sample size was determined to 234 households. The data gathering tool was a questionnaire whose validity had been confirmed by a panel of experts, and its reliability was confirmed by the Cronbach's alpha coefficient ($\alpha > 0.7$). The data analysis was conducted by using the SPSS18 and AMOS software. In order to analyze the results, in descriptive section, the centrality (mean and mode), and the dispersion (range of variations, variance, and standard deviation) statistics were calculated, and for the inferential part of the analysis, an exploratory factor analysis was used to factorize the barriers. Results indicated that the most important barriers to participation of local communities in the carbon sequestration project can be identified in six categories: lack of mutual trust and belief, lack of awareness and information channels, administrative and institutional barriers, the implementation barriers, lack of government support, and lack of community needs assessment and satisfaction, which explained a sum of 83.36% of the total variance. The credibility of these barriers was also confirmed by the confirmatory factor analysis.

Keywords: barriers, biological restoration and desertification control, carbon sequestration, local communities, participation

مقدمه

است؛ در نتیجه عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار تلقی می‌شود (خالقی و همکاران ۲۰۰۶). اگر هدف کلی توسعه را ایجاد منابعی برای بهبود معیشت اقتصادی از طریق فراهم کردن امکانات جدید اشتغال، بهره برداری بهینه از منابع محلی، توزیع مساوی درآمدها با هدف ارتقای سطح زندگی فقرا

مردم و منابع و مشارکت، سه رکن توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. مشارکت بدین دلیل که هم هدف توسعه و هم وسیله‌ی رسیدن به آن است و نقش ترکیب‌کننده‌ی دو متغیر دیگر به شمار رفته

و اجرای طرح‌های منابع طبیعی از موارد ضروری در موفقیت برنامه‌های مدیریتی است؛ از این رو نظام مدیریتی مناسب برای حفاظت از این عرصه‌ها، باید بر مبنای مدیریت مبتنی بر مشارکت جوامع محلی بنا نهاده شود؛ به بیان دیگر، راهبرد اصلی عملی کردن توسعه‌ی پایدار در بخش روستایی تأکید بر عواملی داشته است که بیشتر با جوامع محلی جنبه‌ی مشارکتی دارند (اسچرمیلا و همکاران ۲۰۰۳).

در ایران اگرچه از لحاظ نظری تمام اصول مشارکت و اهمیت آن پذیرفته شده است، اما آنچه در عمل مشاهده و اجرا می‌شود، چیزی جز به-کارگیری افراد برای استفاده از نیروی جسمی آن‌ها نیست و کمتر طرح و پروژه‌ای را می‌توان یافت که از همان ابتدای مطالعات تفصیلی بتوان نقش مشارکت همه‌جانبه‌ی افراد بومی را در آن مشاهده کرد و این مشارکت جزئی، نه تنها اهداف اصلی از مشارکت مردمی را برآورده نمی‌کند، بلکه در شرایطی موجبات بدبینی مردم محلی نسبت به نیروها و اقدامات دولتی را نیز فراهم می‌سازد. به طوری که شاید راه‌حل‌های درست را نیز در تضاد با منافع خود ببینند (دستورانی و همکاران ۲۰۰۹). ضابطیان (۲۰۱۱) مشارکت مردم محلی را به دلایلی همچون بی‌اعتقادی نهادینه‌شده به مشارکت مردمی در فرایند برنامه‌ریزی دستگاه‌های دولتی، ارتباط ناصحیح بین مسئولان و مردم، روشن نبودن روند دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار و اصول مشارکت با استفاده از روستاییان، نبود اعتمادسازی و فرهنگ‌سازی نسبت به طرح‌های مشارکتی و مشاوران عمرانی در بین روستاییان، نبود برخی زیرساخت‌های مالی و اداری در قوانین بودجه برای برنامه‌ریزی از پایین به بالا، ناآگاهی و ناآشنایی کامل متولیان امر با روند اجرای کار و بررسی‌نکردن پژوهشی طرح به شکل آزمایشی و مشکلات آموزشی و ترویجی روستاییان در مقاطع گوناگون برای اجرای طرح توانمندسازی، در طرح‌های آب‌خیزداری و روستایی، بسیار محدود می‌داند. (دستورانی و همکاران ۲۰۰۹) مشارکت مردم در طرح‌های آب‌خیزداری را کم و عمده‌موانع توسعه‌ی مشارکت مردمی در طرح‌های آب‌خیزداری را ناهمخوانی طرح‌ها با نیازهای حوضه‌نشینان، بی‌توجهی به شرایط کلی آنان مانند مشکلات مالی و بی‌سوادی، و درنهایت فرهنگ‌سازی نامناسب می‌داند. با توجه به مطالب گفته‌شده، اهمیت پرداختن به این موضوع و شناسایی موانع مشارکت جوامع محلی در قالب پژوهشی ساختارمند روشن است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی در منطقه‌ی لپویی زرکان استان فارس انجام گرفته است. آگاهی از عوامل بازدارنده‌ی مشارکت مردمی در طرح‌های منابع طبیعی و دیگر طرح‌ها، اصولی‌ترین گام در تحقق مشارکت مؤثر مردمی و دستیابی به اهداف مدیریت یکپارچه‌ی حوزه‌های آب‌خیز است. در این بخش به مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است، پرداخته می‌شود.

براساس نتایج پژوهش صالح‌پور و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با نام «بررسی عوامل مؤثر بر عدم مشارکت مردمی در طرح‌های منابع طبیعی» به اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مشارکت‌نکردن مردم در طرح‌های منابع طبیعی پرداختند. مهم‌ترین عوامل براساس پژوهش آنان، به ترتیب به صورت شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، برنامه‌ریزی و درنهایت آموزشی به دست آمد. حسن‌نژاد و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با نام «عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای گروه‌های توسعه‌ی روستایی در آموزش‌های اجرایی به‌وسیله‌ی پروژه

و دسترسی به خدمات اجتماعی و اقتصادی تعریف کنیم، این مهم بدون مشارکت اجتماعات محلی و توانمندسازی آن‌ها برای استفاده در برنامه‌ریزی و عمل به آنچه توسعه‌ی مشارکتی خوانده می‌شود، امکان‌پذیر نخواهد بود (بوزرجمهری و همکاران ۲۰۱۶). مشارکت جامعه سبب کاهش هزینه‌ها در جمع‌آوری اطلاعات، تعیین راهکارها، توافق، تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می‌شود (زارعی و همکاران ۲۰۱۳). مشارکت مردمی در زمینه‌های مختلف مانند تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های محیط‌زیستی باعث ارتقای سطح و عملکرد بهتر این طرح‌ها می‌شود. در واقع، مشارکت کیفیت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد و موجب صحت بیشتر تصمیم‌گیری‌ها، کاهش درگیری میان ذی‌نفعان و ایجاد اعتماد می‌شود (شورای تحقیقات ۲۰۰۸)؛ از طرف دیگر، مشارکت‌نکردن جوامع محلی و مشارکت منفعلانه در مدیریت منابع طبیعی و نبود زمینه‌های مدیریتی بومی و استفاده‌ی بی‌تأثیر از جوامع محلی، در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و حضورنداشتن ذی‌نفع‌ها و ذی‌نفع‌دها و تصمیم‌گیران محلی در برنامه‌های حفاظت آب-و خاک، موجب ناکارآمدی برنامه‌های دولتی در حفاظت منابع طبیعی شده است (کارگر ۲۰۱۴). بررسی‌ها نشان می‌دهند که طی دهه‌های گذشته طرح‌های زیادی به‌وسیله‌ی نهادهای ملی و بین‌المللی برای بهبود شرایط منابع طبیعی و روستاییان به اجرا درآمده است که به‌رغم هزینه‌های زیاد موفق نبوده است و بنا به گزارش سازمان بین‌المللی خواربار جهانی، اجرای این طرح‌ها، تأثیر چندانی در بهبود وضعیت روستاییان نداشته است (مینزدیک ۱۹۹۷). موفق‌شدن یا نشدن در طرح‌های آب‌خیزداری به میزان مشارکت مردم در آن محل وابسته است. موانعی که موجب مشارکت‌نکردن مردم محلی در طرح‌های مختلف منابع طبیعی می‌شود، می‌تواند به موفق‌نشدن این طرح‌ها بینجامد. از مهم‌ترین موانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های توسعه‌ی روستایی و مدیریت پایدار می‌توان محدودیت منابع مالی، وابستگی به قدرت محلی و دولتی، مطابقت‌نداشتن برنامه‌ها با اعتقادات، رسوم محلی و تجارب روستاییان و نداشتن سواد و مهارت‌های تخصصی را برشمرد؛ همچنین نبود ساختار مناسب برای تشویق و تقویت روستاییان از موانع مشارکت آنان است (کریمی و همکاران ۲۰۱۶)؛ بنابراین مشارکت مردم و استفاده از دانش بومی، همان حلقه-های گمشده میان نظام دولتی و منابع طبیعی هستند که با مشارکت مردم می‌توان تفکر حفاظت از منابع طبیعی را ترویج داد و از تجربیات مردم در این راستا استفاده کرد (نمکی و همکاران ۲۰۱۱). با توجه به اهمیت حفاظت از منابع طبیعی، تدوین راهبردهای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع به‌عنوان ضرورتی بنیادی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در چنین وضعیتی نقش اصلی با روستاییان است که صاحبان اصلی این منابع محلی محسوب می‌شوند (شورای تحقیقات ۲۰۰۸). مشارکت مردم در هر طرحی ضامن اجرا و پایداری آن طرح است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا مسائل مربوط به محیط‌زیست و منابع طبیعی با زندگی جوامع محلی درآمیخته است و توفیق هر نوع برنامه‌ای نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود (بورینی ۱۹۹۹)؛ بنابراین نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی هر برنامه‌ی حفاظتی اهمیت حیاتی دارد. خالقی و همکاران (۲۰۰۶) نیز بیان کردند که مشارکت مردم در احیای مدیریت

انگیزه‌ی اقتصادی مستقیم، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز، بی‌اعتمادی به نتایج طرح‌ها و آموزش ندادن ساکنان حوضه، درخصوص طرح‌ها و اهداف مربوطه، به‌ترتیب از شاخص‌های اقتصادی، برنامه‌ریزی، اجتماعی و انسانی مهم‌ترین زیرشاخص‌های رتبه‌بندی هستند. با توجه به مطالب یادشده، هدف از این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر همکاری نکردن مردم در انجام طرح‌های احیای زیستی منابع طبیعی در بیابان‌زدایی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی است. پارکیز و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر مشارکت در طرح‌های حفاظت از آب‌وخاک پرداختند و آن‌ها را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، وابستگی به دولت، عضویت در نهادهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ایجاد اشتغال و عوامل خصوصی مثل تجربه، سطح تحصیلات، تعداد افراد تحت تکفل و شغل، بر مشارکت در طرح‌های حفاظت از آب‌وخاک تأثیر می‌گذارند.

مواد و روش‌ها

منطقه‌ی مورد مطالعه

موقعیت منطقه‌ی پژوهش حاضر حوضه‌ی آبخیز لپویی زرقان، در ۳۵ کیلومتری شیراز و در ۲۹ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۲ ثانیه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۳۲ دقیقه و ۱۹ ثانیه طول شرقی با میزان بارندگی سالانه ۳۰۴/۵ میلی‌متر قرار دارد. منطقه‌ی لپویی زرقان نزدیک شهرستان شیراز در استان فارس واقع شده و یکی از قطب‌های اصلی تولید محصولات کشاورزی و دامی است. عده‌ای از مردم پیشرو لپویی در سال ۱۳۸۰ تصمیم به تشکیل جلسات متعددی برای توسعه‌ی مناطق خود از طریق مشارکت جمعی گرفتند و بدین‌منظور با انجام کار کارشناسی و تشکیل جلسات متعدد کارشناسان با پیش‌تازان محلی، اساسنامه‌ی شرکت تعاونی عمران و توسعه‌ی پایدار لپویی در سال ۱۳۸۰ با چهارصد عضو و با سرمایه‌ی ۳۰۰ میلیون ریال با همکاری سازمان جهاد کشاورزی و اداره‌کل تعاون تهیه و تصویب و مقرر شد برنامه‌های تعاونی در دو مقطع طرح‌های کوتاه مدت و بلندمدت صورت پذیرد که اولین طرح کوتاه‌مدت تعاونی، در قالب طرح‌های آبخیزداری تعریف شد (دستورانی و همکاران، ۲۰۰۹).

بین‌المللی ترسیب کربن» به این نتیجه دست یافتند که احتمال مشارکت در دوره‌های آموزشی اجراشده از سوی طرح ترسیب کربن با افزایش سطح تحصیلات، تجربه‌ی فعالیت در شغل فرعی و در میان زنان و افرادی که در مشاغل غیر از کشاورزی و دامداری مشغول به فعالیت‌اند، افزایش می‌یابد. زارعی و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نکردن بهره‌برداران در طرح‌های آبخیزداری پرداختند که نتایج مطالعه‌ی آنان نشان داد سن بهره‌برداران و شناخت از طرح‌ها به‌ترتیب ارتباطی منفی و مثبت با تمایل افراد برای شرکت در طرح‌ها دارند؛ همچنین، با توجه به نتایج، بین سطح سواد و مالکیت بهره‌برداران و تمایل به مشارکت آن‌ها در طرح‌های آبخیزداری از نظر آماری رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد؛ به‌طوری‌که می‌توان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان را در طرح‌های آبخیزداری، عوامل ادراکی، فردی، ارتباطی اطلاعاتی و اقتصادی دانست. براساس نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۲۰۱۶) مهم‌ترین عوامل مشارکت نکردن بهره‌برداران در حفاظت و احیای منابع طبیعی عبارت است از: نبود حمایت مالی دولت از مردم، فقر دانش منابع طبیعی و ناآگاهی از قوانین و مقررات، تشکیل نشدن کلاس‌های آموزشی و ترویجی، به‌کارنگرفتن دانش بومی در اجرای طرح‌های مرتعداری و دولتی. بر اساس نتایج پژوهش ریگی و همکاران (۲۰۱۶)، بیشترین نگرانی کشاورزان در همکاری با طرح‌های کشاورزی توسعه‌ی مربوط به مسائل اقتصادی و معیشتی می‌شود. (طهماسبی و همکاران ۲۰۱۴) در مطالعه‌ی بیان کردند که موانع اصلی در مشارکت مردمی در طرح مرتعداری عبارت‌اند از: موانع مدیریتی، اقتصادی، اطلاعاتی و ارتباطی، آموزشی و ترویجی و موانع فرهنگی و روان‌شناختی که از بین آن‌ها عامل اقتصادی و موانع فرهنگی و روان‌شناختی، مهم‌ترین موانع مشارکتی بوده‌اند. محمدی و همکاران (۲۰۱۶) با مروری بر نتایج آثار تهیه و اجرای طرح هادی، اذعان داشتند: واضح است که این طرح توانسته است زمینه‌ی لازم را برای تحقق توسعه‌ی کالبدی در روستاها فراهم کند و آثار مثبتی را به دنبال داشته باشد؛ اما از طرف دیگر، این طرح در فرایند تهیه و اجرا با چالش‌های و مشکلاتی مواجه بوده است که منجر به بی‌اعتمادی و عدم مشارکت مردم روستایی در اجرای این طرح‌ها شده است. صالح‌پور جم و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر مشارکت نکردن ذی‌نفعان را در طرح آبخیزداری بررسی کردند که نتایج آن‌ها نشان داد زیرشاخص‌های نادیده گرفتن درآمد مردم به‌عنوان



شکل ۱- منطقه مورد مطالعه.

مورد مطالعه به دست می آید. هر اندازه میزان ضریب تغییرات کوچک تر باشد، نشان دهنده رتبه‌ی کمتر (کوچک‌ترین ضریب تغییرات = رتبه ۱) و مهم‌تر بودن مانع در منطقه‌ی مورد مطالعه است. موانع مشارکت در قالب طیف لیکرت پرسیده و از پاسخگویان خواسته شده است تا نظر خود را با توجه به میزانی که هر مانع باعث مشارکت نکردنشان در طرح‌های آبخیزداری شده است در قالب گزینه‌های هیچ، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد، از صفر تا ۵ بیان کنند.

تحلیل عاملی موانع نیز از نوع تحلیل عاملی اکتشافی بود که در آن همه‌ی موانع مشارکت، یکجا وارد تحلیل می‌شوند و در چندین عامل کلی خلاصه می‌شوند. به منظور مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل، از آزمون KMO و آماره‌ی بارتلت استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آزمون KMO بزرگ‌تر از ۰/۷ و مقدار آماره‌ی بارتلت در سطح ۵ درصد معنی‌دار باشد ($P > 0/05$)، داده‌ها برای تحلیل مناسب هستند. خروج تعداد عامل‌ها نیز با توجه به معیار سنگریزه به این صورت است که عامل‌هایی که مقدار ویژه‌ی آن‌ها بزرگ‌تر از یک باشد، استخراج می‌شوند. موانع ممکن است در عامل‌های مختلفی بار شوند؛ اما تنها در عامل‌هایی که مقدار بار عاملی آن‌ها بیش از ۰/۴ باشد، پذیرفته هستند.

در ادامه، به منظور بررسی میزان برازش ساختار عاملی پرسشنامه، موانع مشارکت بر اساس یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی، از تحلیل عاملی تأییدی با روش حداکثر درست‌نمایی در سطح ماتریس کوواریانس استفاده

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی، از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع مطالعات پیمایشی^۱ و از لحاظ مهار کردن متغیرها، از نوع مطالعات میدانی و از نظر روش تحقیق، از نوع مطالعات اکتشافی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد که روایی صوری^۲ آن، با نظرسنجی از گروه متخصصان مرتع و آبخیزداری و کارشناسان اجرایی در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی و آبخیزداری فارس، سازمان جهاد کشاورزی فارس و هرمزگان، اداره‌ی کل منابع طبیعی و آبخیزداری فارس و هرمزگان و استادان صاحب‌نظر انجام و تأیید شد. برای سنجش میزان پایایی^۳ پرسشنامه نیز حدود ۳۰ نسخه در بین جامعه‌ی الگو^۴ توزیع و میزان ضریب آلفای کرونباخ^۵ برای همه‌ی قسمت‌های پرسشنامه بیشتر از ۰/۷ محاسبه شد که نشان از پایایی بالای پرسشنامه‌ی مورد استفاده بود. با توجه به اینکه هدف از این مطالعه، تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های آبخیزداری و نوع مطالعه هم‌زمان نوع اکتشافی بود، متغیرهای پژوهش در قالب موانع مشارکت از طریق مرور منابع و مطالعات پیشین و مرور نظریه‌ها و مدل‌های مشارکت استخراج شد. این متغیرها در قالب فهرست موانع مشارکت در جدول ۱، قابل مشاهده هستند که حاکی از شناسایی ۲۴ مانع برای مشارکت مردم محلی در طرح‌های آبخیزداری از مطالعات پیشین است. در مرحله‌ی بعد برای اولویت‌بندی این موانع مشارکت، از ضریب تغییرات استفاده شده است که از تقسیم انحراف بر میانگین نظرات جامعه‌ی پاسخگویان در مورد میزان وجود و اهمیت هر یک از موانع در جامعه

- 1- survey research
- 2- face validity
- 3- reliability
- 4- pilot study
- 5- cronbach alpha

ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (REMSEA) بین صفر تا ۰/۰۵ بیانگر برازش خوب و ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ بیانگر برازش قابل قبول است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم افزار SPSS و AMOS استفاده شد.

نتایج

نتایج آمار توصیفی

طبق نتایج آمار توصیفی ۷۱/۴٪ از مطالعه‌شوندگان، مرد و ۲۸/۶٪ زن بودند. بررسی وضعیت تأهل نشان داد که ۱۰/۷٪ مجرد و ۸۹/۳٪ متأهل بودند. بررسی وضعیت تحصیلی نشان داد که ۸۲٪ باسواد و ۱۸٪ بی‌سوادند و ۲۸/۵٪ تحصیلات ابتدایی، ۳۰/۷٪ تحصیلات راهنمایی، ۱۳/۲٪ دبیرستان، ۴/۴٪ کارشناسی و ۵/۳٪ کارشناسی ارشد دارند؛ پس بیش از نیمی از جمعیت بررسی شده از نظر وضعیت تحصیلات، در سطح مطلوبی نبودند (جدول ۱).

شد. شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی میزان برازش مدل به دست آمده، استفاده می‌شود. شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI)، برازندگی هنجار شده (NFI)، برازش فزاینده (IFI) و نیکویی برازش مطلق (GFI) هرچقدر نزدیک به یک باشند، برازش الگو مطلوب‌تر است. اگر شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) بزرگ‌تر از ۰/۵ باشد، نشانی از مناسب بودن مدل است. هرچند برای بررسی نیکویی برازش معمولاً از شاخص مجذور خی استفاده می‌شود، ولی مجذور خی (CMIN) با افزایش حجم نمونه و درجه‌ی آزادی افزایش می‌یابد. CMIN/Df نیز مجذور خی دو به درجه‌ی آزادی را نشان می‌دهد که اگر کمتر از ۳ باشد، نشان از برازش مدل دارد؛ به همین خاطر، هو و بنتلر (۱۹۹۹) استفاده از شاخص ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (REMSEA) را توصیه کرده‌اند؛ همچنین عنوان شده است که اگر شاخص خی دو در درجه‌ی آزادی (CMIN/DF) کمتر از ۳ باشد، می‌تواند نشان از برازش الگو باشد. به اعتقاد شرمیله-انگل و همکاران (۲۰۰۳) مقادیر

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناختی جامعه‌ی مورد مطالعه.

متغیرهای مورد مطالعه	فراوانی	درصد
جنسیت		
زن	۷۰	۲۸/۶
مرد	۱۷۵	۷۱/۴
وضعیت تأهل		
مجرد	۲۶	۷/۱۰
متأهل	۲۱۶	۳/۸۹
تحصیلات		
بی‌سواد	۴۱	۱۸
ابتدایی	۶۵	۲۸/۵
راهنمایی	۷۰	۳۰/۷
دیپلم	۳۰	۱۳/۲
کاردانی	۱۰	۴/۴
کارشناسی و بالاتر	۱۲	۵/۳

شناخته شدند؛ گویه‌های «باورنداشتن مردم به کاهش مناطق بیابانی در طرح»، «باورنداشتن مسئولان به مشارکت مردم در طرح‌ها» و «باورنداشتن مسئولان به دانش بومی مردم در طرح»، کم‌اهمیت‌ترین موانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های بیابان‌زدایی و احیای منابع طبیعی شناخته شدند.

آمار استنباطی

نتایج این بخش در جدول شماره‌ی ۲ آورده شده است. «باورنداشتن مردم به ایجاد اشتغال در این طرح‌ها» و «ناآگاهی مردم از مزایای این طرح‌ها» و «باورنداشتن مردم محلی به کاهش فقر در طرح‌ها»، سه مورد از موانع مهم مشارکت مردم محلی در طرح‌های بیابان‌زدایی و احیای منابع طبیعی

جدول ۲- اولویت بندی موانع مشارکت جوامع محلی در طرح های بیابان زدایی و احیای منابع طبیعی.

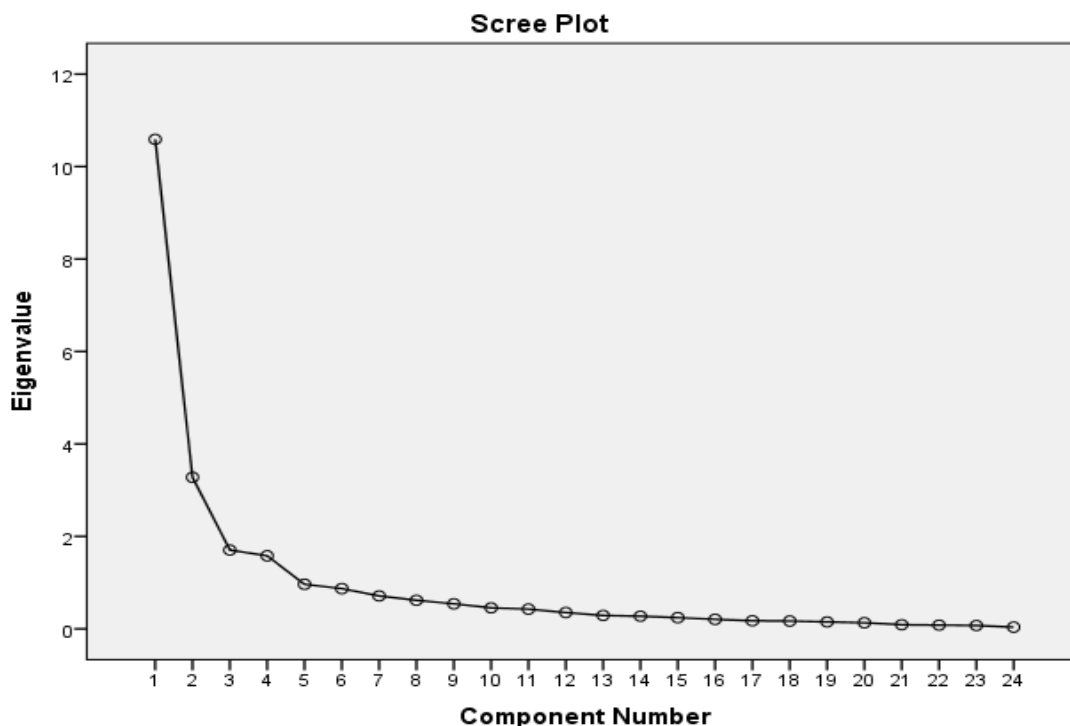
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	فهرست موانع مشارکت
۱	۰/۲۰۵	۰/۷۴۳	۳/۶۱	باورنداشتن مردم به ایجاد اشتغال در این طرحها
۲	۰/۲۲۸	۰/۸۷۴	۳/۸۳	ناآگاهی از مزایای طرح های احیا
۳	۰/۲۳۵	۰/۸۱۷	۳/۴۷	باورنداشتن مردم محلی به کاهش فقر در طرحها
۴	۰/۲۳۷	۰/۹۰۳	۳/۸۱	حمایت مالی ناکافی دولت از این طرحها
۵	۰/۲۴۶	۰/۸۶۹	۳/۵۳	بی اعتمادی مردم به پرداخت تسهیلات بانکی
۶	۰/۲۵۲	۰/۸۰۷	۳/۲۰	بی اعتمادی مردم به مجریان این طرحها
۷	۰/۲۵۵	۰/۸۷۶	۳/۴۳	نبود کارگاه های آموزشی برای این طرحها
۸	۰/۲۵۶	۰/۸۵۲	۳/۳۲	ناهماهنگی سازمان های دولتی و مردم در طرح
۹	۰/۲۵۶	۰/۸۴۲	۳/۲۸	سواد کم مردم محلی
۱۰	۰/۲۶۲	۰/۸۷۰	۳/۳۱	ناهمخوانی اجرای طرحها با نیازهای مردم
۱۱	۰/۲۶۴	۰/۸۸۸	۳/۳۶	سودآور نبودن طرحها در کوتاه و میان مدت
۱۲	۰/۲۶۵	۰/۸۵۵	۳/۲۲	مشکلات فرهنگی بین مردم و مسئولان
۱۳	۰/۲۷۱	۰/۹۰۳	۳/۳۳	ناآشنایی کارشناسان دولتی از نقش جوامع محلی
۱۴	۰/۲۸۱	۰/۸۷۴	۳/۱۱	منابع مالی ناکافی در جوامع محلی برای مشارکت
۱۵	۰/۲۸۴	۰/۹۲۴	۳/۲۵	موفق نبودن طرح های قبلی دولت در منابع طبیعی
۱۶	۰/۲۸۷	۰/۸۸۱	۳/۰۶	ناآگاهی از اهداف طرح های احیا
۱۷	۰/۲۸۷	۰/۸۹۷	۳/۱۲	موانع اداری برای دریافت تسهیلات اعتباری
۱۸	۰/۲۸۹	۰/۸۸۸	۳/۰۴	باورنداشتن مسئولان به نقش و اهمیت مردم
۱۹	۰/۲۹۱	۰/۹۲۸	۳/۱۸	هزینه بر بودن اجرای این طرحها برای مردم محلی
۲۰	۰/۲۹۱	۰/۸۸۳	۳/۰۳	باورنداشتن مردم به بهبود درآمد در این طرحها
۲۱	۰/۲۹۴	۰/۹۳۱	۳/۱۶	نارضایتی مردم از اجرای طرحها به وسیله مسئولان
۲۲	۰/۲۹۷	۰/۹۲۸	۳/۱۲	باورنداشتن مسئولان به دانش بومی مردم در طرح
۲۳	۰/۳۰۳	۰/۹۸۳	۳/۲۴	باورنداشتن مسئولان به مشارکت مردم در طرحها
۲۴	۰/۳۰۳	۰/۹۵۶	۳/۱۵	باورنداشتن مردم به کاهش مناطق بیابانی در طرح

ویژه ی بالاتر از یک استخراج شدند که ۸۳/۳۶٪ از واریانس کل عاملها را تبیین می کردند. ۱۶/۶۴٪ باقی مانده مربوط به عواملی بود که در تحلیل شناسایی نشده بودند. با توجه به مقدار ویژه در جدول ۳، عامل اول بیشترین سهم (۲۲/۲۱٪) و عامل ششم، کمترین سهم (۵/۸۵٪) را در تبیین واریانس

برای تحلیل موانع مشارکت از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که مقدار KMO برابر با ۰/۸۷۴ و مقدار آزمون بارتلت ۶۸۵/۲۳۶ ($p = ۰,۰۰۰$) به دست آمد که در سطح ۰/۱٪ معنی دار شدند؛ در نتیجه نشان داده شد که داده ها برای تحلیل عاملی مناسب اند. در این تحلیل شش عامل با مقادیر

جدول ۳- عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس بعد از چرخش.

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۴/۸۰	۲۲/۲۱	۲۲/۲۱
۲	۳/۸۲	۱۷/۸۵	۴۰/۰۶
۳	۳/۵۵	۱۵/۲۲	۵۵/۲۸
۴	۳/۳۵	۱۲/۱۲	۶۷/۴
۵	۳/۱۲	۱۰/۱۱	۷۷/۵۱



شکل ۲- نمودار سنگ‌ریزه‌یی تعداد عامل‌های استخراج‌شده.

کل عامل‌ها داشت.

پس از جداسازی به روش چرخش واریماکس، هر عامل به همراه گویه‌های مربوط آورده شده است. در جدول زیر بارهای عاملی همه‌ی گویه‌های انتخاب‌شده بالای ۰/۴۰ است. تعداد معدودی از گویه‌ها در بیش از یک عامل بار گرفتند؛ بنابراین در عاملی قرار دارند که از لحاظ بار عاملی در عامل مربوطه وزن بیشتری داشته است و از لحاظ محتوایی مناسب با دیگر گویه‌های آن

عامل بوده‌اند (جدول ۵).

برازندگی الگو براساس شاخص مجذور خی دو (CMIN)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص هنجارشده‌ی برازندگی (NFI)، شاخص برازش فزاینده (IFI)، شاخص برازش مقتصد هنجارشده (PNFI)، ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) و شاخص نیکویی برازش (GFI) بررسی شد که نتایج آن در جدول جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- نتایج شاخص‌های برازندگی تحلیل عاملی تأییدی موانع مشارکت جوامع محلی در احیای منابع طبیعی و بیابان‌زدایی

REMSEA	PNFI	GFI	IFI	NFI	CFI	CMIN/DF	CMIN
۰/۰۶۳	۰/۷۸۰	۰/۸۸۲	۰/۹۲۶	۰/۸۹۲	۰/۹۲۵	۲/۹۷	۹۱۴/۰۵

توجه به نتایج جدول ۴، می‌توان گفت که برازش الگوی تأییدی پذیرفتنی است.

جدول ۵- عامل های استخراج شده پس از چرخش واریماکس به همراه بارهای عاملی مربوطه در تحلیل مؤلفه اصلی.

عامل	گویه های هر عامل	اکتشافی	تأییدی
بی اعتمادی و باور متقابل	باورنداشتن مسئولین به نقش و اهمیت مردم	۰/۷۸۵	۰/۷۲۳
	باورنداشتن مسئولین به دانش بومی مردم در طرح	۰/۵۷۴	۰/۶۳۶
	باورنداشتن مردم به ایجاد اشتغال در این طرح ها	۰/۸۷۴	۰/۶۵۹
	باورنداشتن مردم محلی به کاهش فقر در طرح ها	۰/۷۴۱	۰/۶۴۲
	باورنداشتن مسئولان به مشارکت مردم در طرح ها	۰/۶۸۷	۰/۷۴۰
	باورنداشتن مردم به کاهش مناطق بیابانی در طرح	۰/۵۶۳	۰/۷۴۹
	باورنداشتن مردم به بهبود درآمد در این طرح ها	۰/۵۲۴	۰/۳۳۳
ناآگاهی و نبود راه های اطلاع رسانی	بی اعتمادی مردم به پرداخت تسهیلات بانکی	۰/۷۴۵	۰/۷۹۰
	ناآگاهی از اهداف طرح های احیا	۰/۴۱۲	۰/۶۵۳
	نبود کارگاه های آموزشی برای این طرح ها	۰/۶۵۲	۰/۷۹۰
	سواد کم مردم محلی	۰/۷۴۵	۰/۸۶۶
موانع اداری و نهادی	ناآگاهی از مزایای این طرح ها	۰/۸۴۱	۰/۸۳۴
	موانع اداری برای دریافت تسهیلات اعتباری	۰/۸۴۱	۰/۷۵۶
	سودآور نبودن طرح ها در کوتاه و میان مدت	۰/۸۷۸	۰/۴۵۶
موانع اجرایی	ناهماهنگی سازمان های دولتی و مردم در طرح	۰/۸۲۲	۰/۶۹۴
	بی اعتمادی مردم به مجریان این طرح ها	۰/۸۰۱	۰/۶۳۷
	ناآشنایی مجریان از نقش جوامع محلی در اجرای طرح ها	۰/۷۸۵	۰/۹۸۴
	مشکلات فرهنگی بین مردم و مسئولان	۰/۷۳۲	۰/۷۴۵
	منابع مالی ناکافی جوامع محلی برای مشارکت	۰/۷۵۴	۰/۶۵۰
نبود حمایت و پشتیبانی دولت	هزینه بر بودن اجرای این طرح ها برای مردم محلی	۰/۷۱۲	۰/۵۲۲
	حمایت مالی ناکافی دولت از این طرح ها	۰/۶۸۵	۰/۶۵۰
	نارضایتی مردم از اجرای طرح ها به وسیله مسئولان	۰/۷۸۸	۰/۷۴۰
نبود نیازسنجی و جلب رضایت	ناهمخوانی اجرای طرح های با نیازهای مردم	۰/۷۴۸	۰/۷۴۹

برای بررسی روایی موانع مشارکت، همبستگی بین عامل های استخراج شده نیز محاسبه شد که نتایج آن را در جدول ۶ می توان دید. میزان همبستگی تمامی عامل های به دست آمده در موانع مشارکت ($p < 0/01$) معنی دار است؛ پس عامل های استخراج شده، روایی مناسبی دارند و به نوعی عامل مشترکی را برآورد می کنند.

جدول ۶- میانگین و ماتریس همبستگی بین عامل های موانع مشارکت جوامع محلی در احیای منابع طبیعی و بیابان زدایی.

خرده مقیاس	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- عامل اول	۲۳/۴۰	۱۰/۸۵	۱					
۲- عامل دوم	۱۱/۲۰	۳/۵۲	۰/۳۶۱**	۱				
۳- عامل سوم	۷/۴۵	۲/۱۸	۰/۵۰۸**	۰/۳۹۵**	۱			
۴- عامل چهارم	۸/۲۲	۲/۹۲	۰/۲۱۲**	۰/۴۲۹**	۰/۳۹۹**	۱		
۵- عامل پنجم	۹/۴۵	۳/۰۲	۰/۲۶۰**	۰/۳۲۰**	۰/۴۲۴**	۰/۳۴۰**	۱	
۶- عامل شش	۵/۱۱	۲/۱۱	۰/۲۳۰**	۰/۳۵۶**	۰/۴۶۹**	۰/۳۵۸**	۰/۲۸۰**	۱
۷- امتیاز کل	۶۴/۸۳	۵/۵۶	۰/۹۵۴**	۰/۹۵۳**	۰/۶۳۹**	۰/۳۸۵**	۰/۵۱۰**	۰/۳۷۱**

$p < 0/01$ و $p < 0/05$ *

موانعی مانند کاغذبازی‌های اداری برای دریافت تسهیلات اعتباری، سودآور نبودن طرح‌ها در کوتاه و میان‌مدت، ناهماهنگی سازمان‌های دولتی و مردم در تدوین و اجرای طرح‌های بیابان‌زدایی از موانع اداری و نهادی مشارکت مردم محلی است. کاغذبازی‌های اداری برای دریافت تسهیلات، از مهم‌ترین موانع اداری و نهادی است که مردم محلی با آن روبه‌رو اند و انگیزه‌ی آن‌ها را برای مشارکت در طرح‌های آبخیزداری کاهش می‌دهد.

۴. موانع اجرایی

این عامل با تبیین ۱۲/۱۲٪ از واریانس کل، مانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی شناخته شد. بی‌اعتمادی مردم نسبت به مجریان این طرح‌ها، ناآشنایی مجریان از نقش جوامع محلی و مشکلات فرهنگی بین مردم و مسئولان از موانع اجرایی مهم مشارکت در این طرح‌هاست. بزرگ‌ترین مانع در بخش اجرایی، بی‌اعتمادی مردم به مجریان و نحوه‌ی اجرای طرح‌های آبخیزداری است که خود باعث همکاری و مشارکت نکردن مردم در اجرای این‌گونه طرح‌ها شده است.

۵. نبود حمایت و پشتیبانی دولت

نبود حمایت و پشتیبانی دولت، ۱۰/۱۱٪ از واریانس کل موانع مشارکت را تبیین کرد. نبود حمایت و پشتیبانی دولت را می‌توان شامل نبود منابع مالی کافی جوامع محلی برای مشارکت، هزینه‌بر بودن اجرای این طرح‌ها برای مردم محلی، حمایت مالی ناکافی دولت در تدوین و اجرای طرح‌های بیابان‌زدایی دانست. هزینه‌بر بودن اجرای این طرح‌ها در کنار ضعف مالی مردم محلی و حمایت نکردن دولت موجب شده است که مردم در این طرح‌ها مشارکت چندانی نداشته باشند.

۶. نبود نیازسنجی و جلب رضایت

این عامل با تبیین ۵/۸۵٪ از واریانس کل موانع مشارکت، آخرین مانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی شناخته شد. این مانع شامل نارضایتی مردم از اجرای طرح‌ها به وسیله‌ی مسئولان، ناهمخوانی اجرای طرح‌های با نیازهای مردم، همچون موارد نبود نیازسنجی و جلب رضایت است. ناهماهنگی بین نیازهای مردم و طرح‌های آبخیزداری اجرا شده، باعث نارضایتی مردم از این‌گونه طرح‌ها و مشارکت نکردن در اجرای آن‌ها شده است.

عامل‌های استخراج شده به همراه درصد واریانس تبیین شده در شکل ۳ آمده است. موانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی را می‌توان در شش عامل یا مانع کلی خلاصه کرد که مهم‌ترین آن‌ها نداشتن اعتماد و اعتقاد متقابل و کم‌اهمیت‌ترین آن موانع نیازسنجی و رضایت‌نداشتن مردم محلی است (شکل ۳). در ادامه هر یک از عامل‌های استخراج شده به‌طور خلاصه توضیح داده شده است.

۱. نبود اعتماد و اعتقاد متقابل

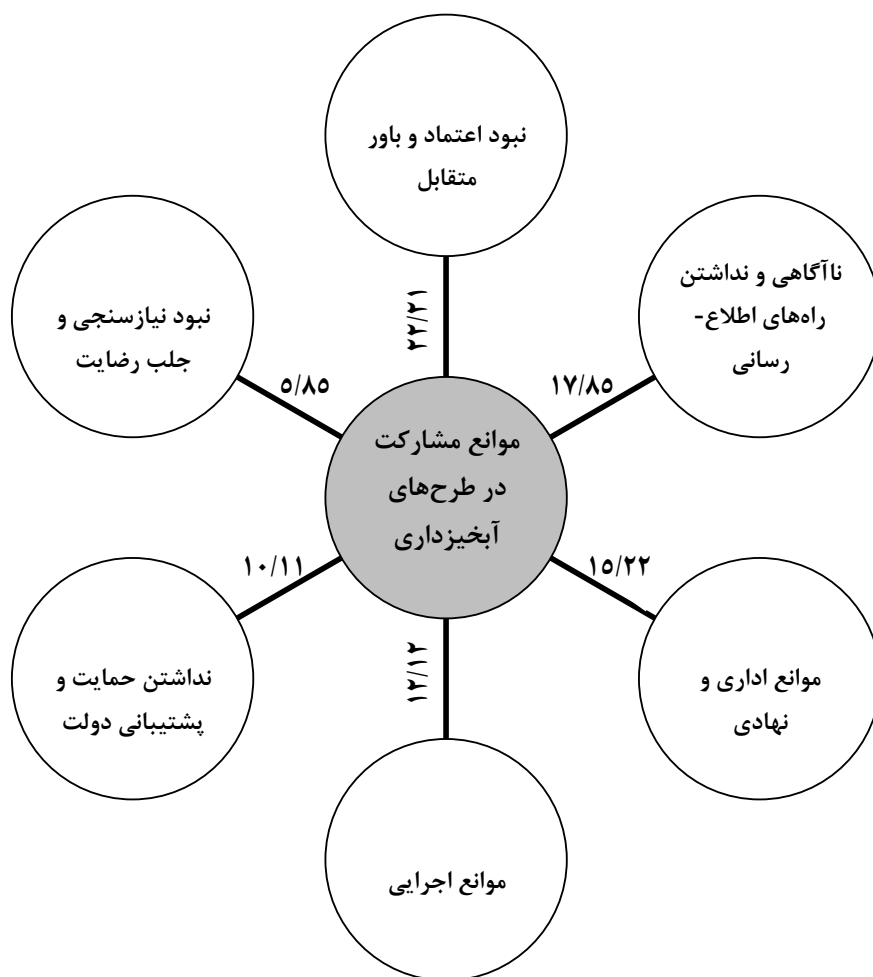
این عامل با تبیین ۲۲/۲۱٪ از واریانس کل موانع مشارکت، مهم‌ترین مانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی شناخته شد. در این مانع کلی، موانع ریزتری مانند نبود اعتماد متقابل بین مسئولان و مردم مشاهده می‌شود. بی‌اعتمادی مردم به پرداخت تسهیلات بانکی، بی‌اعتقادی مردم به بهبود درآمد در این طرح‌ها، باورنداشتن مردم به کاهش یافتن مناطق بیابانی در طرح، باورنداشتن مردم محلی به کاهش فقر در طرح‌ها و باورنداشتن مردم به ایجاد اشتغال در این طرح‌ها از موارد بی‌اعتمادی مردم به طرح‌های اجرایی است. در مقابل، باورنداشتن مسئولان به مشارکت مردم در طرح‌ها، باورنداشتن مسئولان به دانش بومی مردم در طرح و باورنداشتن مسئولان به نقش و اهمیت مردم از موضوع‌هایی است که بی‌اعتمادی مسئولان را به نقش و اهمیت مردم محلی در تدوین و اجرای طرح‌های بیابان‌زدایی نشان می‌دهد.

۲. ناآگاهی و نبود راه‌های اطلاع‌رسانی

این عامل با تبیین ۱۷/۸۵٪، دومین مانع مهم مشارکت مردم محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی شناخته شد. ناآگاهی از اهداف این طرح‌های احیا، نبود کارگاه‌های آموزشی برای این طرح‌ها، سواد کم مردم محلی، ناآگاهی از مزایای این طرح‌ها، از موضوع‌هایی است که نبود آگاهی و نداشتن راه‌های اطلاع‌رسانی را نشان می‌دهد. کم‌سواد بودن مردم و نداشتن کارگاه‌های آموزشی و راه‌های ارتباطی که اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی را انجام دهند، موجب شده تا مردم محلی از مزایا و اهداف طرح‌های آبخیزداری بی‌خبر باشند، و این مانع بزرگی برای مشارکت آن‌ها در این طرح‌ها است.

۳. موانع اداری و نهادی

موانع اداری و نهادی ۱۵/۲۲٪ از واریانس کل موانع مشارکت را تبیین کرد.



شکل ۳- موانع تلخیص‌شده‌ی مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی، به‌همراه درصد واریانس تبیین‌شده.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه موانع مشارکت در طرح‌های احیای زیستی و مقابله با بیابان‌زایی در منطقه‌ی لپویی از استان فارس بررسی شد که نشان داد شش مانع کلی را می‌توان در مشارکت‌نکردن این جوامع محلی بر شمرده که نبود اعتماد و باور متقابل مهم‌ترین مانع پیش روی است. بی‌اعتمادی جوامع محلی به اهداف طرح‌های پژوهشی و مدیران اجرایی و در مقابل باورنداشتن مجریان این طرح‌ها به توانایی و استعدادهای جوامع محلی، موجب ایجاد دیوار بی‌اعتمادی بین جوامع محلی و مدیران شده است. شاید این مانع به‌گونه‌ای ناخواسته ناشی از مانع مهم بعدی، یعنی ناآگاهی جوامع محلی از اهداف و مزایای این‌گونه طرح‌هاست. با توجه به این که طبق مدل‌های رفتاری، رفتار مشارکتی ناشی از نگرش مثبت فرد به طرح و نگرش خود ناشی از آگاهی و دانش فرد است، پس می‌توان مشارکت‌نکردن جوامع محلی را در ناآگاهی آن‌ها از اهداف واقعی این طرح‌ها دانست. این ناآگاهی باعث شده است که حس مالکیت درون جوامع محلی ایجاد نشود و این طرح‌ها را به دولت منتسب کنند که برای آن‌ها نفع خاصی ندارد؛ البته در کنار این دو مانع اصلی، مانع نهادی و سازمانی نیز تأثیرگذار بوده است. مانع کاغذبازی‌های اداری

برای دریافت تسهیلات اعتباری و ناهماهنگی سازمان‌های دولتی و مردم در تدوین و اجرای طرح‌های بیابان‌زدایی از موانع اداری و نهادی مشارکت مردم محلی است. موانع موجود در بخش اجرایی نیز از دیگر موانع مهم پیش روی حضور فعال و مشارکت مردمی است. ناآشنایی مجریان از نقش جوامع محلی، مشکلات فرهنگی بین مردم و مسئولان، از مهم‌ترین موانع اجرایی مشارکت در این طرح‌هاست. در کنار همه‌ی این موانع که مردم را برای حضور در این طرح‌ها دلسرد می‌کند، حمایت‌نکردن دولت نیز مزید بر علت بوده است. هزینه‌بر بودن اجرای این طرح‌ها در کنار ضعف مالی مردم محلی و نبود حمایت دولت موجب شده است که مردم در این طرح‌ها مشارکت چندانی نداشته باشند. برخی از این طرح‌ها نیز جزو اولویت‌های جوامع محلی نبوده است و آن‌ها را متناسب با نیازهای کنونی خود نمی‌دانستند. ناهمخوانی اجرای طرح‌های با نیازهای مردم نشان می‌دهد که نیازسنجی‌های اولیه برای شناخت مشکلات و اولویت‌های اصلی جوامع محلی صورت نگرفته است؛ بنابراین ناهماهنگی بین نیازهای مردم و طرح‌های آب‌خیزداری اجراشده باعث نارضایتی مردم از این‌گونه طرح‌ها و مشارکت‌نکردن در اجرای آن‌ها شده است.

در این راستا با توجه به اهمیت مشارکت‌های جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و حفاظت از محیط‌زیست موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، در اهمیت طرح‌های زیستی منابع طبیعی و زیست محیطی

هدف از انجام این برنامه افزایش سطح دانش و بینش هم‌همی مردم در خصوص اهمیت طرح‌های زیستی منابع طبیعی و زیست محیطی و مشارکت‌های مردمی است. برای دستیابی به این اهداف، این برنامه مستلزم انجام مجموعه فعالیت‌هایی به منظور ارتقای سطح آگاهی و بینش و نگرش عموم جامعه درباره‌ی طرح‌های احیای زیستی است؛ در نتیجه، نیازسنجی آموزشی و تدوین برنامه‌های آموزشی و ترویجی، تهیه‌ی برنامه‌های رادیو تلویزیونی، شناسایی طرح‌های موفق و الگویی و استفاده از آن‌ها در آموزش، قراردادن مباحث طرح‌های احیای زیستی در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، برگزاری سمینارها و جشنواره‌های مختلف، انجام بازدیدهای داخلی و خارجی از روش‌های دستیابی به این راهکار است.

بالا بردن ظرفیت سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی

تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که وجود سازمان‌های مردمی فعال، برای موفقیت رهیافت‌های مشارکتی در برنامه‌های مختلف توسعه امری ضروری است؛ بنابراین تلاش‌های دولتی باید بر بهبود و تقویت سازمان‌های خوداتکایی محلی متمرکز شود؛ به طوری که این سازمان‌ها بتوانند به عنوان مجاری ارائه‌دهنده‌ی خدمات توسعه‌ای دولتی به مردم انجام وظیفه کنند. در عرصه‌ی طراحی، اجرا، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های توسعه، مشارکت و حضور فعال کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که وجود سازمان‌های مردمی فعال برای موفقیت رهیافت‌های مشارکتی در برنامه‌های مختلف توسعه، امری ضروری است.

تلاش برای ایجاد اعتماد و باور متقابل بین مردم و مسئولان

با توجه به اینکه مهم‌ترین مانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های آب‌خیزداری، نبود اعتماد و باور متقابل بین مردم و مسئولین بود، پیشنهاد می‌شود تا این دیوارهای بی‌اعتمادی را با شفاف‌سازی اهداف و مزایای طرح از سوی مسئولان و تعیین نقش مردم در جریان برنامه‌ریزی و اجرای این طرح‌ها و استفاده‌ی واقعی از آن‌ها در نقش‌های تعیین شده، از بین برده و بتوانند مشارکت حداکثری مردم را جلب کنند.

حمایت و پشتیبانی دولت برای برطرف کردن موانع اداری و اجرایی

همانطور که نتایج نشان داد مردم محلی با مشکلات اداری و کاغذی‌بازها برای دریافت تسهیلات و مشکلات مالی مواجه‌اند. از سوی دیگر، عوامل دولتی آشنایی چندانی با نقش مردم در مراحل اجرایی طرح ندارند و بین مسئولان طرح و نهادهای اجرایی و مردم ناهماهنگی دیده می‌شود که نیازمند حمایت و پشتیبانی دولت در تسهیل دریافت اعتبارات، پرداخت اعتبارات

کم‌بهره و هماهنگی بین نهادها و مسئولان و مردم است و این نقش باید پررنگ و فعال باشد.

نیازسنجی و جلب رضایت مردم قبل از شروع طرح‌های آب‌خیزداری

یکی از موانع مهم در مشارکت مردم در اجرای طرح‌های آب‌خیزداری، تطابق نداشتن این طرح‌ها با نیازهای واقعی و اولویت‌دار مردم محلی است؛ بنابراین، انگیزه‌ای برای حضور در این طرح‌ها ندارند؛ زیرا نیازهای مهمتری را در خود می‌بینند. پیشنهاد می‌شود که قبل از برنامه‌ریزی برای تدوین و اجرای طرح‌های آب‌خیزداری، نیازهای مردم محلی مورد مطالعه قرار گرفته و اولویت‌بندی شود تا از نظرات آن‌ها برای طرح‌های ضروری استفاده شود؛ به عبارتی، رهیافت مشارکتی از پایین به بالا را دنبال کنند تا طرح‌ها نیز مورد رضایت مردم محلی و مطابق با نیازهای آن‌ها باشد. این باعث می‌شود تا نسبت به طرح‌ها حس مالکیت داشته باشند بهتر مشارکت کنند.

ایجاد ساختار مناسب برای تشکیل و جذب مشارکت سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های مردم‌نهاد مانند هر سازمان دیگری برای پیشبرد اهداف خود با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه هستند که تا به حال چندین مطالعات درباره‌ی آن‌ها صورت گرفته است. هدف از اجرای این برنامه فراهم کردن تمهیدات لازم برای مشارکت فعالانه و آگاهانه‌ی سازمان‌های غیردولتی در طرح‌های احیای زیستی است. برای اجرای این برنامه لازم است که فعالیت‌های زیر مدنظر قرار گیرند:

- ۱- شناسایی سازمان‌های غیردولتی فعال و تهیه‌ی بانک اطلاعاتی از آن‌ها؛
- ۲- برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مشترک با سازمان‌های غیردولتی؛
- ۳- تهیه‌ی نشریات ترویجی با همکاری سازمان‌های غیردولتی؛
- ۴- حمایت و پشتیبانی از سازمان‌های غیردولتی و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای تشکیل آن‌ها؛
- ۵- آموزش روش‌های مشارکت برای اعضای سازمان‌های غیردولتی درباره‌ی اهمیت مسائل زیست محیطی.

واگذاری بهره‌برداری از عرصه‌های منابع طبیعی و محیط‌زیست به مردم

یکی از راهکارهای بسیار مؤثر در جذب مشارکت مردم، ایجاد انگیزه برای مشارکت است. ضمن تأکید بر اهمیت ارزش‌های ملی و مذهبی و تقویت روحیه‌ی ایثار و از خودگذشتگی که می‌توانند در راستای مشارکت در طرح‌های احیای زیستی منابع طبیعی بسیار مؤثر باشند، نباید به نقش انگیزه‌های اقتصادی بی‌توجه بود؛ بنابراین، واگذاری عرصه‌ها برای احیاء و بهره‌برداری، به صورت طرح‌های ۹۰ ساله می‌تواند در جذب مشارکت مردم بسیار مؤثر باشد.

- ۱- ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی برای مشارکت در طرح‌های احیای زیستی، با مشارکت بهره‌برداران عرفی و محلی

۵- تهیهی دستورالعملها و معیارهای احیاء و بهره‌برداری از عرصه‌های بیابانی با احداث معادن و...، در جبران خسارت وارده
 ۶- تقویت تحقیقات کاربردی برای تأمین نیازهای بخش اجرا و در نظر گرفتن درآمدهای لازم جهت مشارکت‌های مردمی
 ۷- ظرفیت‌سازی و سازماندهی نظام بهره‌برداری پایدار از مراتع و طرح‌های احیاء و زیستی

۲- سازماندهی، توانمندسازی و بسیج جوامع محلی برای حفاظت پایدار از طرح‌های احیای زیستی
 ۳- ظرفیت‌سازی دستگاه‌های دولتی، مدیران ملی و استانی و تشکل‌های مردمی برای مهار کردن پدیده‌های مخرب زیست‌محیطی
 ۴- انعقاد تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری با کشورهای همسایه در زمینه‌ی تهیه و اجرای طرح‌های مشترک، برای حمایت از طرح‌های احیاء زیستی

منابع

- Borrini-Feyerabend G. 1999. Collaborative management of protected areas, in S. Stolton and N. Dudley (eds.), Partnerships for Protection: New Strategies for Planning and Management for Protected Areas, Earthscan, London.
- Bozarjmehri Kh, Khatami S, Naderi M, Sarbaraghi Moghaddam P. 2016. Investigating the role of participatory projects in women empowerment and environmental conservation. Case study: Sarbisheh County. National Conference on Women and Sustainability of Natural and Environmental Resources in Rural Areas, Mashhad. 1-16. (In Persian).
- National Research Council. 2008. Public Participation in Environmental Assessment and Decision Making. Washington, DC: The National Academies Press. <https://doi.org/10.17226/12434>.
- Daštóorani MT, Talebi A, Nafarzadegan A. 2009. Investigate the Importance and strategies of public participation development in watershed management. Forest and Rangeland Quarterly. 84(8): 79-74. (In Persian).
- Hassan Nejad M, Kohansal M R, Ghorbani M. 2012. Factors affecting the participation of rural development groups in executive education by the International Carbon Policy Project, Eighth Biennial of Iranian Agricultural Economics. 6(1):74-78. (In Persian).
- Li-tze Hu & Peter M. Bentler. 1999. Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives, Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal. 6(1): 1-55.
- Karimi Z. 2016. The role of operators in the conservation and management of the watershed, 11th National Conference on Watershed Management in Iran. Participatory Development in Watershed Management. 45: 181-196. (In Persian).
- Khalighi NA, Chakoshi B, Kia M. 2006. Investigating the role of indigenous knowledge, immigration and property of villagers in operation of rangelands (Chakand Watershed-Birjand County). Journal of Natural Resources. 59(3): 757-741. (In Persian).
- Mahmoudi C, Mahdavi Kh, Lotfi Sh. 2014. The study of the effective factors upon participation of beneficiaries about conservation, rehabilitation and utilization of ranges (Case study: Roodbar Khoortab Watershed Area, city of Nour). Journal of Conservation and Utilization of Natural Resources. 2 (1): 64-49. (In Persian).
- Meinzen-Dick R. 1997. Farmer participation in irrigation-20 years of experience and lessons for the future. Irrigation and Drainage Systems. 11(2): 103-118.
- Mohammadi Kangarani H, Malek Hosseini B. Safi Khani S. 2016. The role of Participation in watershed management policies. 11th National Conference on Watershed Management. April 19-21, Yasouj University. (In Persian).
- Mohammadi Y, Pirmoradi AH. 2016. Rural mistrust theory for participation in development plans using the qualitative method of data theory. Sixth National Congress of Agricultural Extension and Education and Natural Science. 26 October, Shiraz University. (In Persian).
- Meinzen-Dick R. 1997. Farmer participation in irrigation-20 years of experience and lessons for the future. Irrigation and Drainage Systems. 11(2): 103-118.
- Namaki SM, Ghafouri A, Shadfar S, Shadmani A. 2011. Analysis of the status of indigenous and official knowledge of watersheds and its role in the sustainability of a comprehensive drought system in watersheds. The First National Conference on Drought and Climate Change, Karaj, Research Center for water scarcity and Drought in Agriculture and Natural Resources. 52(1):113-124. (In Persian).
- Parkes MW, Morrison KE, Bunch MJ, Hallstrom LK, Neudoerffer RC, Venema HD, Waltner-Toews D. 2010. Towards integrated governance for water, health and social-ecological systems: The watershed governance prism. Journal of Global Environmental Change. 20(2): 693-704.
- Rahemi Ardakani A, Esmacilour Y, Mohammadi Y, Gholami H. 2017. Investigating the role of empowerment education

(Rural Participatory Evaluation) in watershed plans, Lapouyi Case Study of Shiraz. The First Conference on Shiraz Ecosystem Resilience Focusing on Water Resources Management. 4 March 2017. Shiraz. (In Persian).

Rahemi Ardakani A. 2011. Investigating the role of effective factors on people's participation in watershed plans in the Lapouyi District of Shiraz, M.Sc. Dissertation, Islamic Azad University, Arsanjan. (in Persian).

Reiki M. 2017. Prediction of the effects of changing the pattern of cropping on groundwater properties using Bisin network, Master's thesis, Gorgan University of Agricultural Sciences & Natural Resources, Year 4, Issue 14. 144 p. (In Persian).

Reiki M, Hossein Alizadeh M, Islami I. 2016. Investigation of the public participation in projects of cropping pattern change in Ali-Abad Region (Golestan Province). Extension and Development of Watershed Management. 4(14):33-38.

Salehpour Jam A, Sarreshtehdari A, Tabatabaei MR. 2017. Prioritizing preventing factors affecting on stakeholders' participation in watershed plans based on experts' idea, case study: Watershed area surrounding city of Tehran. Watershed

Engineering Management. 9(4): 441-450. (In Persian).

Schermelleh-Engel K, Moosbrugger H, Müller H. 2003. Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. Methods of Psychological Research Online. 8 (2): 23-74.

Tahmasebian S, Hamidiyan M, Saghari M, Momeni A. 2014. Obstacles for the participation of exploiters in the implementation of Ilam Province rangeland projects (case study: Exploits of Malekhashyeh City). 1(5):77-93. (In Persian).

Zabetian J. 2011. Design a pattern for participatory planning in rural areas. Case study: Lapoyee Fars Province, Final report of research. Tehran: Ministry of Jihad-e-Agriculture, Agricultural Planning, Economic and Rural Development Research Institute. 144 p. (In Persian).

Zarei M, Azmudeh A, Amirnezhad H, Pirnia A. 2013. Investigating the factors affecting non-participation of waters in watershed projects (Case study: Berenjestanak Watershed). Journal of Natural Resources Economics. 9 (33): 63-76. (In Persian).

